

زنان جمعیت نامریی در افغانستان

به روز سه شنبه سیزدهم ماه سپتامبر کابل بازهم آماج حملات افراد جنایتکار خودکش قرار گرفت، یکبار دیگر ده ها خانواده سوگوار به ابدیت پیوستن عزیزان ایشان گردیدند.

با استدعای رحمت خداوند به رفته گان این خانواده ها و طلب توان و شکیبایی تحمل این همه درد برای مادران و پدران، میخوام به دو نکته پردازم.

اول اینکه اشکال در ادامه ی اینهمه وحشت در افغانستان در کجاست و دوم اینکه زنان افغانستان در مباحثی بر محور چنین رویداد های فاجعه بار چرا حضور ندارند؟

مردم افغانستان در آستانه ی اجلاس سرنوشت ساز بن دوم قرار دارند و اما در این اجلاس بحث مبارزه با تروریسم نه بلکه گفتگو بر مشروعیت بخشیدن ترور و دهشت در افغانستان شرط است زیرا ایجاد رسمی دفتر سیاسی برای گروه خون آشام طالب در قطر، خود می تواند یکی از دلایل باشد.

نشانه گیری های دقیق سازمان استخبارات پاکستان در روز های اخیر و ثابت کردن موجودیت سران بی کفایت در افغانستان از جانب آی اس آی، نخستین گامهاییست در تحقق بخشیدن مرام، برگشت نیروهای مزدور در این کشور.

ادامه ی ده سال تداوم جنگ در افغانستان، پس از راندن گروه های افراطی طالب، تا اکنون جان هزاران نفر را گرفت ولی هنوز هم بحث بر اینست که آیا مردم افغانستان شهادت طلب اند یا خیر؟ در اینجا ما به نیروی سیاسی بی کفایت و دور از منطق سیاسی بر می خوریم که در قرن بیست و یکم، معیار بحث آنان شهادت است.

دوم در اینهمه سال مباحث سیاسی و طرح پدیده های نو در ادبیات سیاسی افغانستان، به گونه یی شباهت به دوکان بقالی دارد، فقط رقابت با دوکان پهلویی و فروش جنس تاریخ گذشته شرط تداوم حیات آنان است و بس.

زیرا آنچه که در افغانستان و در حال حاضر حضور بسیار کم رنگ دارد، نبود افراد با تدبیر سیاسی است با فهم امروز از سیاست و معادلات سیاسی.

حتی در مباحثی که بر پیرامون رویداد ها صورت می گیرد، چند نفر با احساسات داغ صحبت می کنند و چند نفر دیگر هم اند که فقط با طرح کهنه ی اخوان المسلمین وارد بحث می شوند.

همچنان ساختار خود دولت افغانستان که هنوز هم تکمیل نیست، یکی دیگر از عوامل ضعف در برابر دخالت های کشور های همسایه افغانستان است، زیرا در دولت هم افراد مشخصی برای منافع

همان کشور ها در تلاش اند و در ضمن ناموفق بودن در داخل خود ساختار نظام علامت ضعف بزرگی است که برای مداخله گران مجال و امکانات بیشتر می دهد.

در ضمن راکد بودن گروه های بیکاره ی سیاسی در افغانستان که فقط در مقاطع مشخص زمانی حضور آنان محسوس است، زمینه دیگر، برای یک تازی نیروی های وفادار به آی اس ای پاکستان است.

زیرا این گروه ها تا حال نتوانسته اند مشکل شورا های صلح با طالبان را با مردم افغانستان حل کنند، در برابر لویه جرگه های پوسیده بدیل بهتری ارائه بدهند، قانون را جانشین روابط قومی و قبیله یی بسازند و با مغز متفکر اندیشه را جانشین تملق به ملا ها بسازند.

به باور من تا حال کمتر گروه سیاسی به مردم و رفاه مردم افغانستان اندیشیده است. هر یک از گروه های به اصطلاح سیاسی افغانستان، میان تهی تر از دیگری بوده و تا امروز کمتر نمونه ی داریم که واقعاً ارزشی به حیثیت خود قایل بوده باشد.

بنابراین نداشتن تعهد به مادر وطن، بی اعتنایی به حیثیت و وقار یک سرزمین و وابستگی های مالی و سیاسی این گروه ها به کشور های همسایه دلایلی اند در کنار ده ها دلیل دیگر در تداوم این وضعیت.

و اما چرا حضور نیم جامعه افغانستان یعنی زنان در مباحث مهم سیاسی کمرنگ است؟

به باور من در این مورد دلایل زیادی وجود دارد، یکی از این دلایل تسلط کامل مرد سالاری در افغانستان است، گویا این مردان اند که می توانند استدلال کنند و تمام پراگنده گویی های این مردان، زیر عنوان تحلیل سیاسی به خورد مردم داده می شود.

دوم باور نداشتن زنان به نیرو و تفکر خود آنان است. زیرا تربیت جامعه ی سنتی افغانستان به گونه ی بوده است که گویا زنان در جاییکه مردان لب می گشایند، خاموش باید.

سوم محدود اندیشیدن رسانه های افغانستان دلیل دیگر است؛ زیرا شاید رسانه های افغانستان به این فکر باشند که زنان نمی توانند مثلاً عوامل تداوم این جنگ ها را برشمارند و این مردان اند که واقف و عقل کل اند.

به باور من هر روزی که میز مباحث فقط سیاه و سفید نباشد، شاید نخستین گام در رهایی از جهالت و سنت گرایی پوسیده باشد.

در پایان به یک شعار اشاره می کنم.

تا حال صد ها بار شنیده ایم که تا یکنفر افغان است، زنده افغانستان است...

آیا موقع آن فرا نرسیده است که افغانها بیاندیشند به اینکه وقتی کودکان ما در روی جاده ها کشته می شوند، زنان ما تکه تکه می شوند و فرزندان ما با مرگ خویش قلب پدر ها و مادر های شان را داغ داغ می کنند، این افغانهایی که بر کرسی های سیاسی نشسته اند و شب و روز بر استخوانهای همین بی نوایان تجارت می کنند، با این شعار میان خالی چه آبرویی در برابر جامعه ی بشری برای خود گذاشته اند. حالا میلیون ها افغان زنده اند ولی افغانستان دارد می میرد.